



علت‌های پیشرفت و سقوط جوامع از دیدگاه حضرت علی(ع) نهج البلاغه

هر جامعه‌ای برای رشد و تعالی نیازمند اقداماتی است که همواره از سوی دولت‌مردان در مراحل مختلف به این امر پرداخته می‌شود اما اسلام که برای تمام زمان‌ها و تمام مراحل زندگی برنامه دارد، در این باره نیز برای مردم و دولت‌مردان نکاتی را ارائه داده است.

هر جامعه ای برای رشد و تعالی نیازمند اقداماتی است که همواره از سوی دولت مردان در مراحل مختلف به این امر پرداخته می شود اما اسلام که برای تمام زمان ها و تمام مراحل زندگی برنامه دارد، در این باره نیز برای مردم و دولت مردان نکاتی را ارائه داده است. حضرت علی (ع) در حدود ۱۴۰۰ سال پیش در نهج البلاغه بر این امر تاکید داشته اند که هر جامعه ای برای رشد و تعالی نیازمند رعایت قوانینی است که با رعایت کردن و نکردن آنها عوامل پیشرفت و سقوط هر جامعه ای میسر می شود.

به گزارش ایسنا، عبدالواحد تمیمی در کتاب "غرر الحکم و دررالکلم" که مجموعه عظیمی از گفتارهای حضرت علی بن ابی طالب(ع) را در بر دارد، با اشاره به سخنان امیرالمومنین حضرت علی(ع) در نهج البلاغه در بخشی از کتاب آورده است که حضرت علی (ع) علل پیشرفت یک امت و نشانه های سقوط آن را اینگونه مطرح می کند؛ «يَسْتَدِلُّ عَلَى ادِّبَارِ الدُّوَلِ يَأْرِبُ؛ تَضْيِيعُ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْقُرُوعِ وَ تَقْدِيمُ الْأَرَاذِلِ وَ تَأْخِيرُ الْأَفَاضِلِ؛ "غرر الحکم، ص ۳۴۲" دولت ها و جوامع زمانی به انحطاط گرایش پیدا می کنند که اصول ارزشی از بین برود و نیرنگ به عنوان اصل ارزشی مورد قبول قرار گیرد، فرومایه گان سمت ها و مسئولیت ها را به عهده گیرند و کسانی که فاضلند منزوی شوند. »

بنابراین اگر انسان با مطالعه دریافت اصول ارزشی در جامعه تضییع شده و تباه گردیده و نیرنگ و غرور و فریب جای آن را گرفته و همچنین اگر پست های حساس جامعه در اختیار فرومایگان قرار گرفته و انسان های فاضل و شریف از تصدی آن مشاغل محرومند، می تواند استدلال کند که آن جامعه به سوی سقوط و انحطاط می رود و اگر یافت که اصول ارزشی بر ارکان جامعه حاکم است، صداقت و امانت داری و تلاش و کوشش و عدالت و آزادی در آن جامعه برجسته است و انسان های شریف و فاضل مسئولیت های گوناگون را به عهده دارند آن جامعه پیشرفت خواهد کرد.

بر همین اساس در گفت وگویی که با حجت الاسلام والمسلمین عبدالقاسم طاهری، کارشناس نهج البلاغه داشتیم وی با اشاره به اینکه در نهج البلاغه علل وعوامل متعددی برای سقوط و پیشرفت یک جامعه بیان شده است اظهار کرد: حضرت علی(ع) در نهج البلاغه دوازده عامل برای پیشرفت جامعه و ۳۵ عامل برای انحطاط و سقوط جامعه مطرح می کند.

وی در ابتدا با اشاره به عوامل پیشرفت و تعالی در جامعه اظهار کرد: از جمله آنها بحث وحدت، همبستگی و هماهنگی مردم با یکدیگر است که حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۲ اولین عامل پیشرفت جامعه را وحدت و همدلی در بین افراد مطرح می کند. عامل دوم پیشرفت از دیدگاه حضرت برخوردار از رهبر آگاه و لایق و بصیر است که حضرت در خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه به این موضوع اشاره داشته است. سومین عامل که بسیار نقش مهمی دارد رعایت حقوق متقابل رهبران جامعه به خصوص رهبر اصلی جامعه و مردم است که در خطبه های ۳۴، ۱۶۹ و ۲۱۶ به این عوامل اشاره شده است. چهارمین عامل پرهیز از اختلاف و تفرقه است که اگر جامعه به این امر دچار شود به سقوط و تباهی کشیده می شود و حضرت در خطبه پنجم و ۱۹۲ به این موضوع اشاره داشته اند.

وی ادامه داد: پنجمین عامل پیشرفت جامعه امانت داری مردم است که حضرت در خطبه های ۲۵ و ۱۹۹ به این موضوع اشاره دارند. ششمین عامل پیشرفت جامعه بحث سازندگی اجتماعی است؛ به این معنی که تمام مردم باید در پیشرفت و ساختار جامعه سهیم باشند نه اینکه یک عده بسازند و یک عده استفاده کنند که در خطبه ۲۵ این موضوع اشاره شده است. هفتمین عامل پیشرفت آگاهی از نقشه های دشمن است که مقام معظم رهبری در این مدت بارها بر این موضوع تاکید داشته اند که دشمن و نقشه های دشمن را باید بشناسیم که به سمت هدف متعالی حرکت کنیم و حضرت علی (ع) در خطبه ۶ نهج البلاغه به این موضوع مهم پرداخته است؛ آگاهی از این امر می تواند جامعه را به سمت تعالی بکشانند. هشتمین عامل پیشرفت انجام مسئولیت اجتماعی است که حضرت در خطبه ۱۶۷ به این مطلب اشاره داشته است و می فرماید: "تمام مردم در برابر همه اجزا و ساحت های اجتماع مسئول هستید حتی نسبت به خانه ها، حیوانات و ... اجتماع مسئول هستند." عامل نهم استقامت و پایداری جامعه است که حضرت در خطبه های ۱۷۶ و ۱۹۲ به این موضوع پرداخته است. دهمین عامل تدبیر در حالات مومنین گذشته است یعنی اینکه ببینیم در تاریخ چه گذشته حضرت در خطبه ۱۹۲ به این مهم اشاره داشته است. حضرت علی (ع) در حدیثی می فرمایند: "در احوال

این کارشناس نهج البلاغه در ادامه افزود: یازدهمین عامل پیشرفت و تعالی جامعه این است که پس از تدبیر در تاریخ از آن ها عبرت آموزی داشته باشیم و حضرت در خطبه ۱۹۲ به این موضوع اشاره داشته است و دوازدهمین عامل پیشرفت که شاید امروز معنایی سیاسی داشته باشد اما هدف ما معنی سیاسی به معنی اصلاح طلبی و اصول گرایی نیست؛ این است که حضرت در خطبه ۱۳۱ می فرمایند: من مسئولیت قبول نکردم مگر جاهای خراب جامعه را بخواهم اصلاح کنم اما نه اصلاح طلبی و اصول گرایی به معنی سیاسی امروزی آن بلکه به معنی اینکه اصلاح جامعه را باید مورد نظر داشته باشیم.

طاهری در ادامه به دلایل انحطاط و سقوط جامعه از دیدگاه حضرت علی(ع) پرداخت و گفت: اولین عامل و مهمترین عامل انحطاط جامعه جنگ و خونریزی است (خطبه ۱۰۱، ۲۶)، دومین عامل عدم ارتباط مردم با یکدیگر مثل دوران جاهلیت (خطبه ۲۶)، عامل سوم بت پرستی چه به شکل قدیم چه به شکل جدید آن (خطبه ۲۶)، چهارم عامل گناه و فساد زدگی هر جامعه ای که روبه فساد برود تباه می شود، پنجمین عامل ترک جهاد با دشمن (خطبه های ۲۷، ۹۷ و ۱۸۰)، عامل ششم حيله گری برخی خیال می کنند که حيله گری کار خوبی است و باعث پیشرفت آنها می شود در حالی که این رفتار یکی از عوامل سقوط در جامعه است. هفتمین عامل سقوط هواپرستی است یعنی اینکه همه به سمت امیال خود حرکت کنند و به فکر خدا و مردم جامعه نباشند (خطبه ۵۰)، هشتمین عامل بدعت گذاری در جامعه است که حضرت در (خطبه ۵۰) به این مهم اشاره داشته است. نهمین عامل التقاط گرایی یعنی مخلوط کردن حق و باطل (خطبه ۵۰) **إِنَّمَا بَدَأَ وَفُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعَ وَأَحْكَامُ تُبَدِّلُ خَالَفَ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رَجَالٌ رَجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ قُلُوبُ أُنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفَ عَلَى الْمُتَرَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَايِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ قِيمَرَجَانِ قَهْطَالِكِ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى.**

او گفت: دهمین عامل سقوط مسخ ارزش ها است که اگر در جامعه از بین برود عامل سقوط جامعه است (خطبه ۱۰۸ و ۴۱ حکمت ۱۰۲ و ۴۶۸)، یازدهمین عامل سقوط دوری کردن و فاصله گرفتن از دین و مذهب (خطبه ۸۸، ۱۵۶، ۱۹۲)، دوازدهمین عامل بی توجهی به خیر خواهی رهبران الهی (خطبه ۳۵)، سیزدهمین عامل بی تفاوتی در برابر مسئولیت و وظایفی که بر عهده افراد است (خطبه ۱۰۸، ۲۷، ۶۷، ۱۸۰) چهاردهمین عامل کفران نعمت است (خطبه ۸۸).

این کارشناس نهج البلاغه ادامه داد: پانزدهمین عامل بی تفاوتی در برابر قانون شکنی است (خطبه ۱۰۶) یعنی افراد در برابر هر کسی که قانون شکنی می کند هیچ سخنی بر زبان نیاورند. شانزدهمین عامل واگذاری قدرت و حکومت به ناصالحان (خطبه ۱۰۶) یعنی اینکه مثلا افراد در انتخابات افرادی را انتخاب کنند که شایستگی ندارند بلکه براساس فامیلی، گروه، قومی و حزب و جناح به افراد رای بدهند این باعث می شود که افراد لایق بر سر کار نیایند و جامعه دچار انحطاط شود. هفدهمین عامل مهجور کردن قرآن یعنی فاصله انداختن بین مردم و قرآن است (خطبه ۱۴۷، حکمت ۳۹۶) حضرت خبر می دهد زمانی می آید که مردم از قرآن فاصله می گیرند، هجدهمین عامل دنیا زدگی که راجع به این موضوع در نهج البلاغه حرف زیاد است (خطبه ۳۴، ۱۱۳، ۲۱۰ و نامه ۷۸)، نوزدهمین عامل زشتی درون و بدگمانی به دیگران (خطبه ۱۱۳)، بیستمین عامل گرایش به ضد ارزش ها (خطبه ۱۳۳ و حکمت ۱۰۲) مثل اینکه سخاوت ارزش است و بخل ضد ارزش و جای این دو در جامعه با یکدیگر عوض شود. عامل بیست و یکم در انحطاط جامعه فتنه انگیزی است که بیشترین نگرانی حضرت بر سر همین موضوع بود (خطبه ۱۵۱، ۸۹، ۱۶۴، ۱۰۱)، تفرقه و جدایی (خطبه ۱۹۲، ۲۵، ۳۷، ۱۲۷، ۱۴۶)، یاری نکردن حق؛ امروز در جامعه شاهد این موضوع هستیم که برخی خرده می گیرند که چرا از فلسطین و لبنان و ... دفاع می کنید در حالی که حضرت در (خطبه ۱۶۶) به این موضوع تاکید داشته اند و دروی کردن از این امر را یکی از عوامل انحطاط و سقوط عنوان کرده اند.

وی گفت: بیست و چهارمین عامل پیروی از رهبران ناصالح است که خیلی در این مورد مطلب است (خطبه ۶۲، ۳۴، ۳، ۹۳، ۹۷، ۱۰۱، ۱۵۱ و نامه یک)، رویگردانی از خداوند در (خطبه ۱۷۵) به این امر اشاره شده است و عمل نکردن به احکام خداوند، پیروی نکردن از رهبران الهی (خطبه ۲۹، ۲۵، ۳۴، ۹۷، ۱۲۹، ۱۸۰، ۲۸۰، ۱۹۲، ۱۶۶ و نامه ۶۲) اگر رهبران پاک و پاکیزه در جامعه باشد و مردم از آن پیروی نکنند عامل انحطاط جامعه را فراهم کرده اند. تکبر و فخر فروشی، پیروی از مستکبران (خطبه ۱۹۲)، گناه زدگی، عامل بعدی غفلت زدگی و غافل بودن مردم از حقایق و مسائل پیرامون (خطبه ۳۴، ۱۷۵)، ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی دیگر از عوامل است. (خطبه ۱۹۲، حکمت ۳۷۴ و ۳۷۵) ضعف و سستی عامل دیگر سقوط (خطبه ۱۸۰ و حکمت ۲۶۱) مستی و غرور نعمت (خطبه ۱۸۷)، گروه گرایی و حزب زدگی به قدری جناح و حزب حاکم شود که حق به حق دار نرسد افراد حق را رها کرده و درگیر حزب و دسته شوند (خطبه ۱۹۲، ۱۰، ۲۲) بازگشت به روش های جاهلیت (خطبه ۱۵۳، ۱۹۲ و نامه ۱۵۲)، اجرا نکردن احکام و حدود الهی (خطبه ۱۹۲)،

بی توجهی به حقوق دیگران(نامه ۷۲) بی تفاوتی دانشمندان جامعه(حکمت ۲۸۳، ۲۷۳، ۲۷۲ خطبه ۲۳۳) و آخرین عامل از دیدگاه حضرت علی (ع) بخل ثروتمندان است. اینها عوامل سقوط و انحطاط جامعه است.